



توانش کاربردشناسی در زبان انگلیسی در فراگیران دوزبانه (فارسی - بلوچی) و تک‌زبانه (فارسی): تمرکز بر مجموعه کنش گفتاری امتناع



فرخ لقاء حیدری*

(نویسندهٔ مسئول)

استادیارآموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

Email: Heidari.f@english.usb.ac.ir



مهری ایزدی**

دکتری آموزش زبان انگلیسی، استاد مدعو گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

زاهدان، ایران

Email: izadimi@yahoo.com



ناهید یاراحمدزهی***

استادیارزبان‌شناسی همگانی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه دریانوردی چابهار، چابهار، ایران

Email: n.yarahmadzahi@cmu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر سعی بر بررسی توانش کاربردشناسی فراگیران فارسی و فارسی-بلوچ در ضمن یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم و زبان سومشان داشت. کاربرد راهبردهای امتناع با توجه به شأن و مقام طرف صحبت (پایین‌تر، مساوی و بالاتر) و انواع کنش‌های انگیزشی (درخواست، دعوت، پیشنهاد، توصیه) مورد بررسی قرار گرفت. افزون بر این، تشخیص راهبردهای امتناع مناسب در زبان انگلیسی با توجه به فاصلهٔ اجتماعی بین افراد، رابطهٔ قدرت آنها و میزان تحمیل امتناع مورد مطالعه قرار گرفت. از ۳۶ فراگیر زبان انگلیسی فارسی-بلوچ و ۳۳ فارسی‌زبان خواسته‌شد تا به آزمون تکمیل گفتمان نوشتاری و آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای پاسخ دهند. نتایج پژوهش تفاوتی را در فراوانی و تناوب قواعد معنایی به‌کاربرده‌شده توسط شرکت‌کنندگان بلوچ و فارس نشان داد. فراگیران فارسی‌زبان بیشتر از فرمولهای غیرمستقیم و راهبردهای حفظ وجهه در پاسخ‌هایشان استفاده کردند، درحالی‌که فراگیران فارسی-بلوچ انواع مستقیم‌تری از قواعد معنایی را با درجات مختلف فراوانی مورد استفاده قرار دادند. به‌استثنای رد پیشنهاد که در آن فرار از موقعیت و امتناع مستقیم بیشترین کاربرد و بیان تأسف کمترین کاربرد را دارا بودند، در سایر موارد، رایج‌ترین قاعده‌های معنایی عذر/توجیه، بیان تأسف و امتناع مستقیم بودند. به‌هرحال، در ارتباط با تشخیص راهبرد امتناع مناسب، فراگیران بلوچ توانش کاربردشناسی بهتری نسبت به فارسی‌زبان‌ها بروز ندادند، به‌نحوی که تفاوت بین دو گروه در تشخیص راهبردهای مناسب معنادار گزارش نشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

توانش کاربردشناسی، کنش گفتاری امتناع، فارسی‌زبان، بلوچ‌زبان، دوزبانه، تک‌زبانه

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.322890.835

حیدری، فرخ لقاء، ایزدی، مهری، یاراحمدزهی، ناهید. (۱۴۰۰). توانش کاربردشناسی در زبان انگلیسی در فراگیران دوزبانه (فارسی-بلوچی) و تک‌زبانه (فارسی): تمرکز بر مجموعه کنش گفتاری امتناع. پژوهش‌های زبان‌شناسی در زبانهای خارجی، ۱۱ (۴)، ۷۴۱-۷۴۲.
Heidari, F., Izadi, M., Yarahmadzahi, N. (2021). The Iranian Bilingual (Persian-Baluchi) and Monolingual (Persian) Learners' English Pragmatic Competence: A focus on Refusal Speech Act Sets. Foreign Language Research Journal, 11 (4), 741-762.

* فرخ لقاء حیدری استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان است. زمینهٔ اصلی پژوهش او آموزش زبان، ارزشیابی و روانشناسی زبان است.

** مهری ایزدی دکتری آموزش زبان انگلیسی است. حوزه‌های مورد علاقه او کاربردشناسی زبان، روانشناسی زبان، ارزیابی پویا و تحلیل گفتمان است.

*** ناهید یاراحمدزهی استادیار دانشگاه دریانوردی چابهار است. حوزه‌های مورد علاقه او زبان‌شناسی کاربری، دوزبانگی، نحو، جامعه‌شناسی زبان و گویش‌شناسی است.



The Iranian Bilingual (Persian-Baluchi) and Monolingual (Persian) Learners' English Pragmatic Competence: A Focus on Refusal Speech Act Sets



Farrokhlagha Heidar*
 (corresponding author)

Assistant Professor of TEFL, Department of English Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.
 Email: Heidari.f@english.usb.ac.ir



Mehri Izadi**

Ph.D. of TEFL, Part-time Lecturer of Department of English Language and Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.
 Email: izadimi@yahoo.com



Nahid Yarahmadzahi***

Assistant Professor of General Linguistics, Department of English Language, Chabahar Maritime University, Chabahar, Iran.
 Email: n.yarahmadzahi@cmu.ac.ir

ABSTRACT

The present study aimed to explore the pragmatic competence of Iranian Persian- and Persian-Baluchi-speaking learners learning English as their second and third languages, respectively. The realization of refusal strategies with respect to the status of interlocutors (lower, equal & higher) and the types of eliciting acts (requests, invitations, offers, & suggestions) were studied. Moreover, the perception of appropriate refusal speech act sets with regard to the social distance between the participants, their power relationship and the degree of imposition of refusal were explored. 36 Persian-Baluchi-speaking and 33 Persian-speaking learners of English were asked to complete a written Discourse Completion Test (DCT) and a Multiple-Choice Discourse Completion Test (MDCT). Results of the study revealed variations in frequency and shift of semantic formulas employed by Baluch and Persian subjects. Persian-speaking English learners were found to use more indirect formulas and more face-saving strategies per response, while Persian-Baluchi-speaking English learners were found to use more direct types of semantic formulas at different degrees of frequency. Except for offer in which 'off the hook' along with 'direct refusals' were used more and 'regret' was used less, in other situations, 'excuse/explanation', 'regret' and 'direct refusals' were more frequent. However, Baluch subjects did not reveal better pragmatic competence over Persian subjects as the differences between the two groups in recognizing appropriate refusal strategies were found to be insignificant.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.322890.835

Heidari, F., Izadi, M., Yarahmadzahi, N. (2021). The Iranian Bilingual (Persian-Baluchi) and Monolingual (Persian) Learners' English Pragmatic Competence: A focus on Refusal Speech Act Sets. *Foreign Language Research Journal*, 11 (4), 741-762.

ARTICLE INFO

Article history:
 Received: April 29, 2021
 Accepted: June 25, 2021
 Available online:
 winter2021

Keywords:

Pragmatic Competence, Refusal Speech Act, Persian, Baluch, Bilingual, Monolingual

* Farrokhlagha Heidari is an Assistant Professor in University of Sistan and Baluchestan. Her main areas of research include language teaching, assessment, and psycholinguistics.

** Mehri Izadi has a Ph.D. in TEFL. Her areas of interest are pragmatics, psycholinguistics, dynamic assessment, and discourse analysis.

*** Nahid Yarahmadzahi is an Assistant Professor in Chabahar Maritime University. Her areas of interest are applied linguistics, bilingualism, syntax, sociolinguistics, and dialectology.

افزون بر این، به واسطه یادگیری که توسط نظام‌های زبانی بیشتری مورد حمایت قرار می‌گیرند و به دلیل غنی‌تر بودن تجربیات زبانی‌شان، چندزبان‌ها منابع بیشتر یا بهتری در اختیار دارند (دی بات، ۲۰۱۲) (De Bot, 2012).

یکی از ساختارهایی که در فرایند یادگیری زبان دارای اهمیت است توانش کاربردشناسی pragmatic (competence) است. منظور از توانایی کاربردشناسی زبان دوم، شناسایی توانش کاربردشناسی افراد در زبان بینابینی آنهاست (علامی و نعیمی، ۲۰۱۱) (Allami & Naeimi, 2011). بارون (۲۰۰۳، ص ۱۰) (Barron 2003, p.10) توانش کاربردشناسی را به صورت «آگاهی از منابع زبانی موجود در یک زبان جهت تحقق منظور گوینده، شناخت جنبه‌های ترتیبی کنش‌های گفتاری و در نهایت دانش کاربرد متناسب با موقعیت منابع زبانی در زبانی خاص» تعریف می‌کند. امتناع (refusal) به عنوان کنش گفتاری تهدیدکننده وجهه یکی از کاربردی‌ترین کنش‌ها در زندگی روزمره ماست. به عقیده بیبی و همکاران (۱۹۹۰) (Beebe et al. 1990) و راسخ اسلامی (۲۰۱۰) (Rasekh Eslami 2010)، امتناع یکی از راهبردهای کنش گفتاری پیچیده است و کاربرد مناسب آن نیازمند سطح بالایی از توانش کاربردشناسی است. برای کاربرد آن، هم‌صحت‌ها معمولاً به منظور کاهش رنجش شنونده از راهبردهای غیرمستقیم استفاده می‌کنند. به‌رحال، میزان صریح و غیرصریح بودن و متناسب بودن این کنش بر اساس زبان‌ها و فرهنگ‌ها و بین

توانایی فرد برای ساماندهی ذهنی زبان در یادگیری زبان دوم و سوم همواره مورد علاقه پژوهشگران و دست‌اندرکاران امور آموزشی بوده‌است. به باور سافونت-جوردا (۲۰۰۵) (Safont-Jorda 2005)، یادگیری زبان دوم و سوم یادگیری زبانی غیرمادری به‌طور هم‌زمان یا متوالی توسط فراگیرانی است که از پیش یک یا دو زبان دیگر را فراگرفته‌اند. در مقایسه با دوزبان‌ها که به‌عنوان مبنای زبانی‌شان در یادگیری زبان سوم از دو زبان بهره می‌برند، مبنای زبانی تک‌زبان‌ها فقط زبان اولشان است (سافونت-جوردا، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱) (Safont-Jorda, 2005, 2011). بیلی‌استوک و همکاران (۲۰۰۵) (Bialystok et al. 2005) معتقدند که هم در یادگیری زبان دوم و هم در یادگیری زبان سوم، فراگیر در حال یادگیری زبان افزوده‌ای است، اما یادگیری زبان سوم ماهیتی متمایزتر و پیچیده‌تر دارد. این امر شامل «غیر خطی بودن، نگهداشت زبانی، تنوعات فردی، وابستگی و تغییر کیفیت است» (سافونت-جوردا، ۲۰۰۵، ص ۱۲) (Safont-Jorda, 2005, p. 12). چگونگی یادگیری زبان افزوده همواره توجه بسنده پژوهشگران و مدرسان را به‌خود جلب کرده‌است. در رابطه با عملکرد دوزبان‌ها و سه‌زبان‌ها، بیلی‌استوک و همکاران (۲۰۰۵) (Bialystok et al. 2005) بر این باورند که فراگیران دو و سه‌زبان پیشرفت شناختی بیشتر و توانایی بالاتری در درک و شکل‌دهی مفاهیم از خود برومی‌دهند.

دوزبانه‌ها و چندزبانه‌ها متفاوت است. افزون بر این، راهبردهای به‌کارگرفته‌شده توسط طرفین صحبت جهت امتناع بر اساس شأن و مقام آنها نسبت به یکدیگر (بالا به پایین، مساوی، پایین به بالا) تفاوت دارد. همچنین، این کنش به انواع کنش‌های انگیزشی (درخواست، دعوت، پیشنهاد، و توصیه) (request, invitation, offer, & suggestion) حساس است. در رابطه با پژوهش‌های کاربردشناسی، کاسپر و رز (۱۹۹۹) [Kasper and Rose](#) (1999) و سافونت-جوردا (۲۰۰۵) [Safont-Jorda](#) (2005) اظهار می‌دارند که حداقل در حوزه کاربرد کنش گفتاری امتناع، موضوعاتی که نیاز به پژوهش بیشتر دارند نقش پیشینه زبانی و بنابراین مقایسه دوزبانه‌ها در فرایند یادگیری زبان سوم با تک‌زبانه‌ها در فرایند یادگیری زبان دوم‌شان است که دامنه پژوهش در اکتساب توانش کاربردشناسی را توسعه خواهد داد.

تنوع زبان‌هایی که در ایران به آنها صحبت می‌شود این کشور را به منطقه‌ای دوزبانه تبدیل کرده است. فارسی زبان مادری کشور است و کردی (در غرب)، بلوچی (در جنوب شرق)، ترکی (در شمال غرب)، ارمنی (در جولفا، بخش ارمنی اصفهان) و عربی (در جنوب غربی) بخش‌های دوزبانه ایران را تشکیل می‌دهند. در بخش جنوب شرقی کشور در منطقه بلوچستان زبان بلوچی زبان اول بومیان است. این زبان متعلق به شاخه ایرانی خانواده زبانی هندی-

اروپایی است که به فارسی مربوط است. به باور برجسته دلفروز (۲۰۱۰) [Barjasteh Delforooz \(2010\)](#) بر اساس تجزیه و بررسی آوایی، ریخت‌شناسی، نحوی و واژگانی، زبان بلوچی در برگیرنده سه گویش غربی (رخشانی)، جنوبی (مکرانی) و بلوچی شرقی است.

بنابراین، در این پژوهش منظور از دوزبانه‌ها کسانی هستند که زبان مادری‌شان بلوچی است و در موقعیت‌های مختلف و در هم‌کنشی با افرادی با شأن و مقام متفاوت از زبان رسمی فارسی استفاده می‌کنند. به واسطه مهارت در دو زبان، دوزبانه‌ها در یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان سوم در مقایسه با تک‌زبانه‌ها در فراگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم در کاربرد مجموعه کنش گفتاری امتناع ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند. پژوهش‌های مربوط به کاربرد کنش‌های گفتاری توسط فراگیرانی که در حال یادگیری زبانی افزوده بوده‌اند، نشان می‌دهند که دوزبانه‌ها و چندزبانه‌ها سطح بالاتری از توانش کاربردشناسی را در مقایسه با تک‌زبانه‌ها دارا هستند (فوسر، ۱۹۹۷؛ جسنر، ۲۰۰۸؛ سافونت-جوردا، ۲۰۰۵، ۲۰۱۳؛ بارنز، ۲۰۰۶؛ سینوز، ۲۰۰۰، ۲۰۰۷) [Fouser, 1997; Jessner, 2008; Safont-Jorda, 2005, 2013, Barnes, 2006; Cenoz, 2000, 2007](#). بر اساس این دیدگاه، پژوهش حاضر راهبردهای مورد استفاده در امتناع از درخواست، توصیه، پیشنهاد و دعوت در زبان انگلیسی را بین فارسی زبان‌ها و

بلوچ‌زبان‌های ایرانی مورد بررسی قرارداد. افزون بر این، این مطالعه سعی بر بررسی تفاوت بین تک‌زبانه و دوزبانه بودن در تشخیص راهبردهای امتناع مناسب در زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم/سوم داشت.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با نقش توانش کاربردشناسی در فراگیری زبان‌های افزوده، [سافونت جوردا \(۲۰۰۵\) Safont-Jorda \(2005\)](#) تفاوت‌های ممکن در توانش کاربردشناسی و آگاهی فرا-کاربردشناسی فراگیران تک‌زبانه و دوزبانه انگلیسی را با تأکید بر کنش درخواست مورد بررسی قرارداد. از ۱۶۰ فراگیر دانشجو خواسته شد تا آزمون تکمیل گفتمان و آزمون ارزیابی گفتمان را پر کنند و در ایفای نقش آزاد شرکت نمایند. طبق یافته‌ها، سطح آگاهی زبانی-کاربردشناسی دوزبانه‌ها نسبت به تک‌زبانه‌ها بالاتر بود. افزون بر این، دوزبانه‌ها در فعالیت‌های تولیدی گفتاری و نوشتاری در بیان درخواست‌ها عملکرد بهتری داشتند. [فوسر \(۱۹۹۷\) Fouser \(1997\)](#) توانش کاربردشناسی یک فراگیر کره‌ای را در یادگیری زبان ژاپنی به‌عنوان زبان سوم (زبان انگلیسی زبان دوم او بود) مورد بررسی قرارداد. فرد سه‌زبانه توانش کاربردشناسی بهتری را در تکمیل شفاهی در قالب فعالیت‌های تولیدی بروز داد. [علی‌اکبری و چنگیزی \(۲۰۱۲\) Aliakbari and Changizi \(2012\)](#) کاربرد راهبردهای امتناع را در چندزبانه‌های ایرانی مورد پژوهش قراردادند. آنها کاربرد امتناع را توسط ۲۷۸ فراگیر فارس

(۱۳۶ نفر) و کرد (۱۴۲ نفر) بررسی نمودند. تجزیه و بررسی داده‌ها نشان داد که امتناع مستقیم، تأسف، عذر/توجیه، آرزو و به‌تأخیراندازی روش‌هایی با بالاترین فراوانی بودند. افزون بر این، فراگیران کرد سطح بالاتری از فراوانی و تناوب قواعد معنایی را در تناسب با سطح شأن و مقام طرف صحبت از خود نشان دادند. آنها همچنین از تنوع بیشتری از راهبردها سود جستند. سوگند یادکردن نیز گونه جدیدی از قواعد معنایی گزارش شد که در دسته‌بندی راهبردهای امتناع برگرفته‌شده از چارچوب نظری موجود لحاظ نشده‌است.

به‌تازگی، [رحیمی دومکانی و هاشمیان \(۲۰۱۶\) Rahimi](#)

[Domakani and Hashemian \(2016\)](#) آگاهی و تولید کاربردشناسی فراگیران انگلیسی ترک و فارسی زبان ایرانی را از منظر کنش گفتاری عذرخواهی (speech act of apology) مورد بررسی قراردادند. از لحاظ درک فراگیران از مناسب یا نامناسب بودن کنش‌های گفتاری تقریباً تفاوت معناداری بین دو گروه گزارش نشد. افزون بر این، تک‌زبانه‌ها/دوزبانه‌ها تمایل خویش را نسبت به کاربرد همه فرا-راهبردهای عذرخواهی به‌استثنای «بیان مسئولیت» و «قول شکیبایی» نشان دادند. دلایل عدم موفقیت کاربردی زبان در فراگیران نبود آگاهی فرهنگی، کاهش دوزبانگی در ایران و درون‌داد ناکافی بیان‌شدند. [مهرپور و سایرین \(۲۰۱۶\) Mehrpur et al. \(2016\)](#) بیان امتناع در سه زبان (کردی، فارسی و انگلیسی) را با تأکید بر نقش دانش زبانی

در انتقال کاربردشناسی امتناع مورد بررسی قرار دادند. فراگیران زبان انگلیسی کرد که به فارسی مسلط بودند (سه‌زبان‌ها) با انگلیسی زبان‌ها، تک‌زبان‌های فارسی، تک‌زبان‌های کرد، و دوزبان‌های فارسی که در حال یادگیری زبان انگلیسی بودند مقایسه شدند. آنها بر اساس قواعد معنایی داده‌ها را کدگذاری و تجزیه و بررسی نمودند. نتایج حاکی از این بود که انتقال کاربردشناسی در انتخاب و محتوای قواعد معنایی آشکار بود. افزون بر این، تفاوت‌هایی از منظر هنجارهای اجتماعی-فرهنگی در زبان انگلیسی، فارسی و کردی از نظر کنش گفتاری امتناع و قدرت اجتماعی افراد گزارش شدند. فاصله نسبی به‌عنوان عاملی تعیین کننده در اجرای کنش گفتاری امتناع معرفی شد. نتیجه‌گیری کلی آنها این بود که در سه‌زبان‌ها انتقال امتناع در بیشتر موارد از زبان اول (کردی) به انگلیسی اتفاق می‌افتاد تا زبان دوم (فارسی).

با تأکید بر تأثیر دوزبان بودن بر تولید کاربردشناسی و آگاهی فرا-کاربردشناسی در یادگیری زبان سوم، زندمقدم و آده (۲۰۲۰) Zand-Moghadam and Adeh (2020) به مقایسه دوزبان‌های ترک-فارسی و تک‌زبان‌های فارسی که به ترتیب در حال یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان سوم و دوم‌شان بودند، پرداختند. دوزبان‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها از نظر تولید کاربردشناسی و آگاهی فرا-کاربردشناسی عملکرد بهتری داشتند و استفاده مناسب آنها از راهبردهای

کنش گفتاری، تصدیقی بر این ادعا بود. خانی و حقی (۲۰۲۰) Khany and Haghi (2020) با تمرکز بر ویژگی‌های نحوی زمان آینده و با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های موجود در نظریات زایشی زبان دوم و سوم، به مقایسه یادگیری زمان آینده در زبان انگلیسی بین تک‌زبان‌های فارس و دوزبان‌های کرد-فارس پرداختند. به‌واسطه نبود ویژگی‌های نحوی زمان آینده در زبان انگلیسی در زبان‌هایی که فراگیران از پیش به آنها مسلط بودند، هر دو گروه در یادگیری زمان آینده دچار مشکل بودند. همچنین گزارش شد که در هر دو گروه بیشترین چالش‌ها در مراحل ابتدایی یادگیری رخ داد و به تدریج و با پیشرفت سطح توانش فراگیران، آنها در تولید نمونه‌های مشابه زبان مقصد موفق‌تر بودند.

برخلاف اهمیت بالای زبان بلوچی در پژوهش‌های ایرانی و زبان‌شناسی تاریخی، این زبان در زمره زبان‌های ایرانی نو است که کمترین مطالعات روی آن انجام شده است (کورن، ۲۰۰۳) (Korn, 2003). بیشتر مطالعات موجود در رابطه با زبان بلوچی تأکید بر آواشناسی (اوکاتی و سایرین، ۲۰۱۳؛ محمودزهی و سایرین، ۲۰۱۹) (Okati, 2019; Mahmoudzahi et al., 2013; et al., 2013) (جهانی، ۲۰۱۹؛ کورن، ۲۰۰۶) (Jahani, 2019; Korn, 2006) و واژگان (کورن، ۲۰۰۶) (Korn, 2006) این زبان داشته‌اند. به بیان دیگر، هیچ پژوهشی در رابطه با مقایسه

ایرانی‌های تک‌زبانۀ فارس و دوزبانۀ‌های بلوچ-فارس و عملکردشان در فرایند یادگیری زبان انگلیسی انجام نشده‌است. بنابراین، سؤال پژوهشی موردنظر در این تحقیق بررسی میزان تفاوت ایرانی‌های دوزبانۀ (بلوچی و فارسی) با تک‌زبانۀ‌ها (فارسی) در فرایند یادگیری زبانی دیگر (انگلیسی) در رابطه با کاربرد راهبردهای امتناع است. به بیان دیگر، این پژوهش در تلاش است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. چه راهبردهای امتناعی با فراوانی بیشتر توسط فراگیران انگلیسی به‌عنوان زبان خارجه توسط فارسی‌زبان‌ها و فارسی-بلوچی‌زبان‌ها در امتناع از توصیه، پیشنهاد، درخواست و دعوت هنگام هم‌کنشی با هم‌سخنانی با شأن و مقام بالاتر، یکسان و پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند؟
۲. در رابطه با تشخیص مجموعه کنش گفتاری امتناع مناسب چه تفاوت‌هایی بین توانش کاربردشناسی فراگیران زبان انگلیسی فارسی-بلوچی و فارسی‌زبان وجود دارند؟

۳. روش پژوهش

شرکت‌کنندگان

شرکت‌کنندگان این پژوهش ۶۹ فراگیر زبان انگلیسی شامل ۳۶ فارسی-بلوچی‌زبان و ۳۳ فارسی‌زبان بودند که به‌ترتیب زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان سوم و زبان دوم فرا می‌گرفتند. همه فراگیران دانشجوی دوره لیسانس زبان انگلیسی از دانشگاه دریانوردی چابهار و دانشگاه سیستان و

بلوچستان، دو دانشگاه با گویشوران بومی بلوچ، با محدودۀ سنی بین ۲۰ تا ۲۵ سال بودند. بایستۀ یادآوری است که پیش از آغاز مطالعه، به شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده‌شد که اطلاعات شخصی و داده‌های مربوط به آنها محرمانه خواهد ماند تا با رضایتی از روی آگاهی در مطالعه شرکت کنند. جهت تعیین موقعیت اجتماعی-اقتصادی شرکت‌کنندگان، سطح سواد والدین‌شان (گاتفرید و سایرین، ۲۰۰۳؛ مدیرخامنه، ۲۰۰۶)؛ (Gottfried et al., 2003; Modir Khamene, 2006)

مبنا قرار گرفت. بدین‌منظور از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا به مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱ بیانگر بیسواد و ۵ بیانگر مدرک دانشگاهی) پاسخ دهند. در این پژوهش سطح متوسط سواد آموزشی والدین دیپلم بود.

برای تعیین مواجهۀ قبلی شرکت‌کنندگان با زبان انگلیسی از آنها خواسته‌شد تا به مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱ بیانگر هیچ‌گونه توانش‌زبانی و ۵ بیانگر توانش‌زبانی مشابه گویشوران انگلیسی) پاسخ‌دهند. جدول ۱ آمار توصیفی و معنادار بودن تفاوت بین گروه‌ها را از نظر سن، جنسیت، مواجهه با زبان انگلیسی و سطح توانش‌زبانی نشان می‌دهد.

جدول ۱

آمار توصیفی و معناداری تفاوت‌های ویژگی‌های شرکت‌کنندگان

معناداری تفاوت‌ها	شرکت‌کنندگان فارس	شرکت‌کنندگان بلوچ	
-------------------	-------------------	-------------------	--

تی (پی)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	
	۱۸ مرد ۱۵ زن	۲۵ مرد ۱۱ زن	جنسیت
۰/۷۰(۰/۴۸)	۲۱/۹۰(۱/۳۳)	۲۲/۱۳(۱/۳۷)	سن
۰/۲۳(۰/۸۱)	۲/۵۷(۰/۶۱)	۲/۶۱(۰/۶۴)	مواجهه با زبان انگلیسی
-۰/۵۷(۰/۵۸)	۳۳/۶۳(۳/۸۳)	۳۳/۰۸(۴/۱۷)	سطح توانش زبانی

آزمون تکمیل گفتمان نوشتاری که توسط بیبی و سایرین (۱۹۹۰) Beebe et al. (1990) طراحی شده است جهت ارائه زمینه‌هایی از کاربرد واقعی امتناع به فراگیران مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون پرسش‌نامه ایفای نقشی است که شامل ۱۲ موقعیت می‌شود که دربرگیرنده ۳ درخواست، ۳ دعوت، ۳ پیشنهاد، و ۳ توصیه است. افزون بر این، هر موقعیت دربرگیرنده ۳ شأن است: امتناع شخصی با شأن بالاتر، یکسان و پایین‌تر.

آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای

به منظور بررسی تفاوت‌های فراگیران زبان انگلیسی دوزبانه و تک‌زبانه در درک خطاهای کاربردشناسی یا مناسب بودن راهبردهای کنش گفتاری امتناع، آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون توصیفی از یک موقعیت در قالب متن است که نیازمند امتناع است و به عنوان پاسخ گزینه‌هایی را ارائه می‌دهد که شرکت‌کنندگان باید به تناسب موقعیت مورد نظر مناسب‌ترین آنها را انتخاب کنند. هر موقعیت ۳ متغیر اصلی را تعیین می‌کند: فاصله اجتماعی بین افراد (D)، قدرت نسبی آنها نسبت به یکدیگر (P) و سطح تحمیل (I) که هر یک از آنها دسته‌بندی دوتایی (+/-) دارند. سطح تحمیل «مربوط به میزان هزینه کالاها، خدمات یا انرژی است که در انجام یک درخواست یا امتناع دخیل است، یا میزان رنجش یا دلخوری که نیاز به عذرخواهی دارد» (هادسون، ۲۰۰۱، ص ۲۸۴) (Hudson,

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، آزمون تی مستقل نشان‌داد که هیچ تفاوت معناداری بین دو گروه از منظر سن (تی=۰/۷۰، پی=۰/۴۸)، مواجهه با زبان انگلیسی (تی=۰/۲۳، پی=۰/۸۱) و سطح توانش زبانی (تی=۰/۵۷، پی=۰/۵۸) وجود نداشت. بایسته ذکر است که جهت تعیین سطح توانش زبانی، آزمون اولین گواهی در زبان انگلیسی **The First Certificate in English (FCE)** بین فراگیران اجرا شد. این آزمون هر چهار مهارت زبان انگلیسی یعنی خواندن، شنیدن، نوشتن، و صحبت کردن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

ابزارهای پژوهش

آزمون تکمیل گفتمان نوشتاری

2001 (p. 284). پرسش‌نامه اصلی شامل ۲۴ گویه در ارتباط با ۳ کنش گفتاری درخواست، امتناع و عذرخواهی است (هادسون و سایرین، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵). (Hudson et al., 1992, 1995). موقعیت‌های مربوط به امتناع (۸ گویه) جهت ارزیابی تشخیص شرکت‌کنندگان این پژوهش از کنش گفتاری امتناع مورد استفاده قرار گرفت. هر موقعیت ۳ گزینه را به‌عنوان پاسخ ارائه می‌دهد که تنها یکی از آنها توسط انگلیسی‌زبان‌ها کاملاً مناسب موقعیت مطرح شده‌است.

روش انجام پژوهش

پس از حصول اطمینان از همگن بودن دو گروه از لحاظ سن، مواجهه با زبان انگلیسی و توانش زبانی، نسخه انگلیسی آزمون تکمیل گفتمان بین فراگیران زبان انگلیسی فارس-بلوچ و فارس توزیع شد. تکمیل این پرسش‌نامه ۲۰-۳۰ دقیقه طول کشید. به‌منظور تجزیه و بررسی دقیق، اجزا و ترکیبات امتناع‌های بیان‌شده در قالب قواعد معنایی تعیین شدند. داده‌های گردآوری شده جهت تعیین قواعد معنایی برای بیان امتناع در زبان انگلیسی مورد بررسی قرار گرفتند. افزون بر این، پاسخ‌ها جهت تعیین فراوانی هر قاعده معنایی بررسی شدند. در این پژوهش برای تعیین مجموعه‌های کنش گفتاری از دسته‌بندی قواعد معنایی بیبی و سایرین (۱۹۹۰) (Beebe et al., 1990) استفاده شد. بایسته یادآوری است که پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به آزمون

تکمیل گفتمان به‌طور شخصی به پست الکترونیکی یکی از پژوهندگان این پژوهش ارسال شد.

جهت رفع تأثیر پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به آزمون تکمیل گفتمان در آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای، یک هفته پس از اجرای آزمون تکمیل گفتمان، آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای بین شرکت‌کنندگان اجرا شد. تکمیل این پرسش‌نامه بین ۱۰-۱۵ دقیقه به‌طول انجامید. داده‌های گردآوری شده جهت تعیین پاسخ‌های صحیح انتخاب‌شده توسط فراگیران فارس-بلوچ و فارس مورد بررسی قرار گرفت.

ابتدا پاسخ‌ها بر اساس موقعیتشان تقسیم‌بندی شدند و فراوانی قواعد معنایی استفاده‌شده توسط هر دو گروه در هر موقعیت از آزمون تکمیل گفتمان محاسبه شد و اعداد به-دست‌آمده به درصد تبدیل شدند. در بررسی پاسخ‌ها به آزمون تکمیل گفتمان، همه ۳۶ فراگیر زبان انگلیسی بلوچ‌زبان در قالب یک گروه و همه ۳۳ فراگیر فارس‌زبان در قالب گروهی دیگر لحاظ شدند. افزون بر این، تناوب فراوانی قواعد معنایی با توجه به شأن طرف صحبت مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور محاسبه پایایی روش رمزگذاری قواعد معنایی، داده‌های جمع‌آوری شده مجدداً توسط یک رمزگذار آموزش‌دیده به‌صورت مستقل مورد ارزیابی قرار گرفتند. پایایی درونی برای درخواست، دعوت، توصیه و پیشنهاد به‌ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۰، ۰/۹۵ و ۰/۹۵ گزارش شد.

داده‌های آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای طبق پاسخنامه‌ای که توسط طراحان (هادسون و سایرین، ۱۹۹۲، ۱۹۹۵) (Hudson et al., 1992, 1995) این پرسش‌نامه ارائه شده‌است، نمره‌گذاری شدند. به هر پاسخ صحیح نمره ۱ و به هر پاسخ غلط نمره ۰ تعلق گرفت. آزمون خبی دو جهت تعیین سطح معناداری تفاوت‌های بین دو گروه مورد استفاده قرار گرفت.

۴. نتایج

فراوانی، محتوی و تناوب قواعد معنایی به‌کاربرده‌شده در امتناع درخواست‌ها از سوی فردی با شأن بالاتر، مساوی و پایین‌تر (موقعیت‌های ۱، ۲، و ۱۲) در جدول ۲ آمده‌اند. فراوانی‌ها (به‌صورت درصد) نشان می‌دهند که چه تعداد فراگیر زبان انگلیسی تک‌زبانه و دوزبانه از قاعده معنایی موردنظر استفاده کرده‌اند.

جدول ۲

فراوانی قواعد معنایی در امتناع از درخواست‌ها با توجه به شأن طرف صحبت

قواعد معنایی	بلوچ‌زبان‌ها			فارس‌زبان‌ها		
	با	یکسا	پایه	با	یکسا	پایه
نه	۰	۰	۰	۰	۱۵	۱۵
عدم تمایل	۵	۰	۳۳	۴	۱۵	۲۱

۰	۰	۵	۰	۰	۰
تأسف	۱	۶	۱۰۰	۵۱	۵۱
عذر/توجیه/توضیح	۱	۴	۵۰	۴۵	۱۰۰
بیان جایگزین	۰	۰	۰	۰	۰
قول پذیرش در آینده	۳	۱	۱۶	۰	۰
بیان شرط/قانون	۰	۰	۰	۰	۰
بیان دلیل	۰	۰	۰	۰	۰
بیان پیامدهای منفی	۰	۰	۰	۰	۰
انتقاد از درخواست‌کننده	۰	۱	۰	۱۵	۰
فرار از موقعیت	۱	۰	۰	۰	۰
عدم اشتیاق	۰	۰	۰	۰	۰
حذرکردن	۰	۰	۰	۰	۰
مکث	۰	۰	۰	۰	۰
عدم واکنش	۰	۰	۰	۰	۰
تغییر موضوع	۰	۰	۰	۰	۰
شوخی	۰	۰	۰	۰	۰
به تعویق انداختن	۰	۱	۰	۰	۰
طفره‌رفتن	۱	۰	۰	۰	۰
بیان نظر مثبت	۱	۰	۱۶	۰	۰

					۳	
۰	۰	۶	۰	۱۶	۳	بیان همدلی
					۳	
۱۵	۶	۰	۱۶	۱۶	۰	استفاده از پرکننده مکث
۰	۰	۰	۰	۰	۳	سپاسگزاری
					۳	

همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، در بین دو گروه بیشترین فراوانی‌ها مربوط به قاعده بیان تأسف و عذر/توجیه بودند. افزون بر این، در تمام موارد این قواعد بیشتر در مواجهه با افرادی از شأن پایین‌تر کاربرد داشتند تا افرادی با شأن بالاتر و یکسان. به‌هرحال، با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز در بین دو گروه قابل توجه‌اند. اولین قاعده پرکاربرد در بین افراد بلوچ‌زبان بیان تأسف و سپس عذر/توجیه بود، درحالی‌که با ترتیبی برعکس عذر/توجیه و سپس بیان تأسف اولین و دومین قاعده معنایی پرکاربرد توسط فارسی‌زبان‌ها بودند. گرچه، فراگیران سه‌زبان فارسی-بلوچ در موقعیت‌های مواجهه با شأن بالاتر، یکسان و پایین‌تر از راهبردهای امتناع بیشتری استفاده‌نمودند، فراگیران دوزبان فارسی در این موقعیت‌ها تنوع بیشتری در راهبردهایشان داشتند. افزون بر این، فارسی‌زبان‌ها به‌طرز قابل توجهی از امتناع مستقیم بیشتری نسبت به بلوچ‌زبان‌ها استفاده‌کردند، نمره میانگین فراوانی امتناع مستقیم در فراگیران فارسی ۱۸/۵٪ و در فراگیران بلوچ ۱۳/۸٪ گزارش شد. در مجموع، همه فراگیران بیان همدلی

را با بیشترین فراوانی در مواجهه با درخواست فردی با شأن پایین‌تر مورد استفاده قراردادند، گرچه نمره میانگین فراوانی آن در فراگیران بلوچ ۱۶/۳٪ و در فراگیران فارسی ۲٪ بود. در رابطه با بیان تأسف و عذر/توجیه، فارسی‌زبان‌ها سطح بالایی از تناوب فراوانی کاربرد راهبردها را به تناسب شأن طرف صحبت نشان‌ندادند. بنابراین، فارسی‌زبان‌ها حساسیت کمتری به نوع شأن نشان‌دادند. اما فراگیران زبان انگلیسی بلوچ تقریباً سطح بالایی از تناوب فراوانی در کاربرد برخی از راهبردهای امتناع را در تناسب با شأن طرف صحبت از خود نشان‌دادند. قابل توجه‌ترین تفاوت‌ها در ارتباط با شأن طرف صحبت در کاربرد عدم تمایل، بیان تأسف و عذر/توجیه یافت‌شدند.

جدول ۳ فراوانی و تناوب قواعد معنایی به‌کاررفته در امتناع از دعوت از سوی فردی با شأن بالاتر، مساوی و پایین‌تر را نشان می‌دهد، یعنی به‌ترتیب موقعیت ۴، ۱۰ و ۳.

جدول ۳

فراوانی قواعد معنایی در امتناع از دعوت با توجه به شأن طرف صحبت

فراوانی	فراوانی			بلوچ‌زبان‌ها			فراوانی
	پایین	مساوی	بالا	پایین	مساوی	بالا	
۰	۶	۶	۰	۳۳	۰	۰	نه
۳۰	۱۵	۳	۱۶	۵۰	۱	۶	عدم تمایل

سپاسگزاری	۱	۱۹	۱۶	۱	۳۰	۱۵
	۶		۵			

مانند رد درخواست، فراوانی قواعد معنایی به نفع پاسخ‌دهندگان بلوچ و تنوع قواعد معنایی به کاررفته به نفع فارس‌زبان‌ها بود. پرکاربردترین راهبرد در رد دعوت عذر/توجیه بود. در مقایسه با رد درخواست، فراوانی کاربرد امتناع مستقیم در فراگیران بلوچ بیشتر و در فراگیران فارسی‌زبان کمتر بود. همچنین، بر خلاف رد درخواست، موارد مشابه زیادی بین دو گروه وجود داشتند که منجر به این نتیجه‌گیری شد که در رد دعوت الگوها و قواعد مشابه‌تری بین تک‌زبان‌ها و دوزبان‌ها در فرایند یادگیری زبان دوم و سوم‌شان وجود دارد. گرچه فراوانی برخی از قواعد معنایی در دو گروه مشابه بود، تفاوت‌هایی نیز ملاحظه شد. در رابطه با استفاده از پرکننده مکث توسط سخنوران فارس-بلوچ، فراوانی ۱۱٪، ۶٪ و ۰٪ به ترتیب برای هریک از شأن‌های طرف صحبت گزارش شد. اما ۳۰٪ فارسی‌زبان‌ها در مخاطب قراردادن طرف صحبتی با شأن مساوی از آن استفاده کردند افزون بر این، در رد دعوت فردی با شأن بالاتر، ۶٪ فارسی‌زبان‌ها از راهبردهای شوخی و به تعویق انداختن استفاده نمودند و در رد دعوت شخصی با شأن مساوی ۶٪ آنها از قاعده به تعویق انداختن بهره‌بردند. اما این راهبردها به هیچ‌وجه توسط فراگیران بلوچ مورد استفاده قرار نگرفتند. در رابطه با تناوب فراوانی

تأسف	۵	۶۶	۶۶	۶	۴۵	۶۰
عذر/توجیه/توضیح	۶	۸۳	۸۰	۵	۱۰۰	۶۶
بیان جایگزین	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قول پذیرش در آینده	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بیان شرط/قانون	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بیان دلیل	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بیان پیامدهای منفی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
انتقاد از درخواست‌کننده	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فرار از موقعیت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عدم اشتیاق	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حذرکردن	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مکث	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عدم واکنش	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تغییر موضوع	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شوخی	۰	۰	۰	۶	۰	۰
به تعویق انداختن	۰	۰	۰	۶	۶	۰
ظرفه رفتن	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بیان نظر مثبت	۱	۰	۱۶	۱	۰	۰
	۳			۵		
بیان همدلی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
استفاده از پرکننده مکث	۱	۱۶	۰	۰	۳۰	۰
	۱					

قواعد معنایی، در مقایسه با رد درخواست، دو گروه در رد دعوت حساسیت چندانی به شأن طرف صحبت نشان ندادند. به هر حال، فارسی‌زبان‌ها در استفاده از قاعده عذر/توجیه تا حد کمی نسبت به شأن طرف صحبت حساس بودند. آنها به ترتیب برای شأن بالا، مساوی و پایین ۵۱٪، ۱۰۰٪ و ۶۶٪ از راهبرد عذر/توجیه استفاده نمودند.

جدول ۴ فراوانی و تناوب قواعد معنایی به کاررفته در رد پیشنهاد را از سوی شخصی با شأن بالاتر، مساوی و پایین تر به ترتیب در موقعیت‌های ۱۱، ۹ و ۷ نشان می‌دهد.

جدول ۴

فراوانی قواعد معنایی در امتناع از پیشنهاد با توجه به شأن طرف صحبت

قواعد معنایی	بلوچ‌زبان‌ها			فارس‌زبان‌ها		
	بالا	یکسا	پایه	بالا	یکسا	پایه
نه	۳۳	۸۳	۰	۶	۱۰۰	۶
عدم تمایل	۱۶	۸۳	۳۳	۱۵	۶۰	۳۰
تأسف	۱۶	۵۰	۳۳	۰	۶	۶
عذر/توجیه/توضیح	۵۰	۶۶	۳۳	۲۱	۶۰	۸۴
بیان جایگزین	۰	۰	۰	۰	۰	۶
قول پذیرش در آینده	۰	۰	۱۶	۰	۶	۰
بیان شرط/قانون	۰	۰	۰	۶	۰	۰
بیان دلیل	۰	۰	۰	۰	۰	۰

بیان پیامدهای منفی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
انتقاد از درخواست‌کننده	۰	۰	۱۵	۰	۰	۰
فرار از موقعیت	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰
عدم اشتیاق	۰	۰	۶	۰	۰	۰
حذرکردن	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مکت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عدم واکنش	۰	۰	۶	۰	۰	۶
تغییر موضوع	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شوخی	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵
به تعویق انداختن	۰	۰	۰	۰	۰	۶
طفره‌رفتن	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بیان نظر مثبت	۰	۰	۰	۳۳	۰	۶
بیان همدلی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
استفاده از پرکننده مکت	۰	۰	۰	۱۶	۳۳	۶
سپاسگزاری	۰	۰	۰	۱۶	۳۳	۶

یک مورد شباهت قابل ملاحظه، کاربرد قاعده معنایی فرار از موقعیت (۱۰۰٪ در هر دو گروه) است. تشابه جالب دیگر کاربرد امتناع مستقیم است. به عنوان مثال، دو گروه به خصوص در برخورد با شخصی با شأن مساوی در مقایسه با انواع دیگر امتناع از قواعد امتناع مستقیم‌تری استفاده کردند. در کنار این شباهت‌ها، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نیز

بین دو گروه مشاهده شد. درحالی که فارس-بلوچها بیان تأسف را به خصوص در برخورد با فردی با شأن مساوی با فراوانی بسیار بالاتری (۵۰٪) استفاده نمودند، تنها ۶٪ از فارسی‌زبان‌ها از این قاعده استفاده کردند. تفاوت‌های دیگری در رابطه با کاربرد بیان جایگزین، بیان شرط/قانون، مورد انتقاد قراردادن درخواست‌کننده، عدم اشتیاق، عدم واکنش، شوخی و به تعویق انداختن بودند که توسط فارسی‌زبان‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. به‌عنوان مثال، برخلاف بلوچ‌زبان‌ها، فراگیران فارس به‌خصوص در مواجهه با فردی با شأن پایین‌تر در رد توصیه او از شوخی (۱۵٪) بهره‌بردند. افزون بر این، فراگیران فارس در مقایسه با بلوچ‌ها در کاربرد راهبردها، صرف‌نظر از سطح شأن، ثبات بیشتری نشان دادند. در مجموع، همانند موقعیت‌های درخواست و دعوت، فراگیران بلوچ قواعد معنایی را با فراوانی بالاتر و فارسی‌زبان‌ها با تنوع بیشتر مورد استفاده قرار دادند.

جدول ۵ فراوانی و تناوب قواعد معنایی به‌کاررفته در رد توصیه را در موقعیت‌های ۶، ۵ و ۸ نشان می‌دهد

جدول ۵

فراوانی قواعد معنایی در امتناع از توصیه با توجه به شأن طرف

صحبت

فارس‌زبان‌ها			بلوچ‌زبان‌ها			قواعد معنایی
پایه ن	یکسا ن	با لا	پایه ن	یکسا ن	با لا	
۲۱	۶	۰	۱۶	۱۶	۱	نه
۰	۰	۰	۰	۶۶	۳	عدم تمایل
۰	۲۱	۰	۰	۵۰	۳	تأسف
۲۱	۶۶	۳	۰	۱۶	۳	عذر/توجیه/توضیح
۶	۰	۶	۰	۰	۰	بیان جایگزین
۰	۰	۶	۰	۰	۱	قول پذیرش در آینده
۶	۲۱	۶	۰	۰	۰	بیان شرط/قانون
۰	۰	۰	۰	۰	۰	بیان دلیل
۰	۰	۰	۱۶	۰	۰	بیان پیامدهای منفی
۰	۰	۳	۱۶	۰	۳	انتقاد از درخواست‌کننده
۰	۰	۰	۰	۰	۰	فرار از موقعیت
۰	۰	۰	۰	۰	۰	عدم اشتیاق
۰	۰	۰	۱۶	۰	۰	حذرکردن
۰	۰	۰	۰	۱۶	۰	مکث

عدم واکنش	۰	۰	۰	۰	۰	۲۱
تغییر موضوع	۰	۰	۳۳	۰	۰	۳۰
شوخی	۰	۰	۰	۰	۱۵	۰
به تعویق انداختن	۰	۰	۲	۰	۰	۰
			۱			
طفره رفتن	۱	۱۶	۰	۰	۰	۶
	۶					
بیان نظر مثبت	۱	۰	۳۳	۰	۰	۶
	۶					
بیان همدلی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
استفاده از پرکننده مکث	۰	۰	۱۶	۰	۱۵	۰
سپاسگزاری	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵

بود، درحالی‌که فارسی‌زبان‌ها امتناع مستقیم بیشتری را در ارتباط با فردی از شأن بالاتر مورد استفاده قرار دادند. تفاوت دیگر مربوط به کاربرد بیان تأسف با نمره میانگین ۲۷/۶۶٪ در بلوچ‌زبان‌ها و ۷٪ در فارسی‌زبان‌ها بود. درحالی‌که بلوچ‌زبان‌ها تفصیل کمتری (۳۳٪، ۱۶٪، ۱۵٪) در توضیح‌هاتشان ارائه دادند، فارسی‌زبان‌ها تمایل به تفصیل بیشتر با فراوانی بالاتر (۳۶٪، ۶۶٪، ۲۱٪) داشتند. افزون بر این، بلوچ‌زبان‌ها هرگز در موقعیت توصیه از سپاسگزاری استفاده نکردند اما گروه دیگر تمایل به قدردانی از شخصی با شأن مساوی و پایین‌تر داشتند. در مجموع، بلوچ‌ها قواعد معنایی را با فراوانی بیشتر و فارس‌ها با تنوع بیشتر مورد استفاده قرار دادند. در مقایسه با سایر موقعیت‌ها، هر دو گروه در ارتباط با شأن طرف صحبت حساسیت چندانی از خود نشان ندادند.

جدول ۶ درصد راهبردهای کنش گفتاری امتناع مناسب انتخاب شده توسط هر دو گروه را نشان می‌دهد.

جدول ۶

فراوانی کنش گفتاری امتناع مناسب در ارتباط با متغیرهای موقعیتی (فاصله اجتماعی، قدرت و تحمیل)

گویه‌ها	D	P	I	بلوچ‌زبان‌ها	فارس‌زبان‌ها	خی دو (پی)
۱	+	-	-	۷۲/۷	۸۱/۸	(۰/۸۹) ۰/۰۱
۲	-	+	-	۶۹/۴	۶۰/۶	(۰/۴۵) ۰/۵۵

کاهش تعداد قواعد معنایی به‌کاررفته توسط افراد هر دو گروه در رد توصیه از سوی شخصی با شأن بالاتر، مساوی و پایین‌تر در مقایسه با موقعیت‌های قبل قابل ملاحظه است. دلیل این کاهش می‌تواند در ارتباط با حساسیت کمتر فراگیران در توضیح یا کاربرد راهبردهای حفظ وجهه در پاسخ به توصیه باشد. استفاده فراگیران بلوچ از عدم تمایل با نمره میانگین ۳۳٪ و استفاده فراگیران فارس از عذر/توجیه با نمره میانگین ۴۱٪ فراوانی بیشتری را نسبت به سایر قواعد معنایی نشان می‌دهند. قابل مشاهده است که گویشوران بلوچ‌زبان در مقایسه با فارسی‌زبان‌ها در لحن امتناع‌شان مستقیم‌تر بودند. امتناع مستقیم در بلوچ‌زبان‌ها هنگام مخاطب‌قرار دادن دوست‌شان بیشترین فراوانی را دارا

۳	+	+	+	۸۰/۶	۸۱/۸	(۰/۷۸) ۰/۰۷
۴	-	-	-	۶۶/۷	۶۰/۶	(۰/۵۴) ۰/۳۶
۵	-	+	+	۳۸/۹	۷۸/۸	(۰/۱۰) ۲/۶۳
۶	+	-	+	۴۴/۴	۵۷/۶	(۰/۶۱) ۰/۲۵
۷	-	-	+	۵۲/۸	۶۳/۶	(۰/۷۵) ۰/۱۰
۸	+	+	-	۶۵/۳	۶۴/۱	(۰/۸۸) ۰/۰۲

معناداری بین دو گروه در تشخیص کاربردشناسی امتناع وجود نداشت.

۵. بحث

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کاربرد راهبرد امتناع توسط دوزبان‌های بلوچ و تک‌زبان‌های فارس تنوع وجود دارد و وجود زبان افزوده به تفاوت‌هایی در آگاهی از قواعد معنایی رایج می‌انجامد. در ارتباط با سؤال اول پژوهش و فراوانی راهبردهای امتناع، گستره‌ای از قواعد معنایی در ارتباط با متغیرهای موقعیتی از جمله شأن طرف صحبت و کنش‌های انگیزشی گزارش شدند. رایج‌ترین قاعده‌های معنایی عذر/توجیه، بیان تأسف و امتناع مستقیم بودند. درخواست‌ها اغلب با عذر/توجیه و بیان تأسف (به‌خصوص هنگام رد درخواست شخصی با شأن پایین‌تر) رد می‌شدند. در ارتباط با دعوت، در اکثر موارد عذر/توجیه برای فردی با شأن مساوی مورد استفاده قرار گرفت. در رد پیشنهاد، فرار از موقعیت و امتناع مستقیم بیشترین کاربرد و بیان تأسف کمترین کاربرد را دارا بودند. همچنین برای توصیه، امتناع مستقیم و عذر/توجیه (به‌خصوص در رد شخصی با شأن مساوی) بیشتر مورد استفاده قرار گرفتند. مشاهده شد که امتناع توسط پاسخ‌دهندگان بلوچ-فارس به کاربرد موقعیتی راهبردها حساس‌تر بود.

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، دو گروه در انتخاب مجموع کنش گفتاری امتناع مناسب فراوانی مشابهی دارند. افزون بر این، آنها نسبت به متغیرهای موقعیتی حساسیتی از خود بروز ندادند. گویه‌ای که در بین فراگیران فارس-بلوچ بیشترین درصد انتخاب درست را دارا بود گویه ۳ (۸۰/۶٪) و گویه‌ای که کمترین درصد انتخاب را به‌خود اختصاص داد گویه ۵ (۳۸/۹٪) بود. در حالی که، در فارسی‌زبان‌ها گویه‌های ۱ و ۳ (۸۱/۸٪) و ۶ (۵۷/۶٪) به‌ترتیب بیشترین و کمترین درصد انتخاب درست را دارا بودند. گویه ۳ کمترین تفاوت و گویه ۵ بیشترین تفاوت بین دو گروه در تشخیص کنش گفتاری مناسب را دارا بودند. به‌هرحال، مقایسه گویه به گویه نشان داد که تفاوت

با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی در فراوانی و تناوب قواعد معنایی بین دو گروه مشاهده شد. بلوچ‌ها با درصد بالاتری از قواعد معنایی بهره‌بردند اما فارس‌زبان‌ها از قواعد معنایی متنوع‌تری استفاده نمودند. همچنین، فارس‌زبان‌ها در مقایسه با بلوچ‌زبان‌ها در هر پاسخ از قواعد غیرمستقیم و راهبردهای حفظ وجهه بیشتری استفاده کردند. با توجه به اهمیت رعایت ادب در فرهنگ زبان اول، فارسی‌زبان‌ها تلاش داشتند تا به طرف صحبتشان نشان دهند که دلایلی برای امتناعشان دارند. تنوع بیشتر در کاربرد راهبردها توسط این گروه نیز می‌تواند مربوط به الزام به حفظ وجهه در امتناعشان باشد. از سوی دیگر، بلوچ‌زبان‌ها از قواعد معنایی مستقیم‌تر با درجات متفاوت فراوانی بهره بردند. بایسته ذکر است که میزان صراحت بسته به نوع کنش گفتاری و شأن طرف صحبت داشت. به استثنای موقعیت درخواست که بلوچ‌زبان‌ها سطح بالایی از تناوب فراوانی در کاربرد قواعد معنایی را به تناسب شأن طرف صحبت به‌کار بردند، در موقعیت‌های دیگر دو گروه عملکرد مشابهی داشتند. برخلاف این تفاوت‌ها، هر دو گروه حساسیت کمی در تناوب قواعد معنایی نشان دادند. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های پیشین در رابطه با راهبردهای امتناع همخوانی دارد. طبق این پژوهش‌ها، بیان تأسف، عذر/توجیه و امتناع مستقیم پرکاربردترین راهبردهای کنش امتناع بودند (کوان، ۲۰۰۴؛ علی اکبری و چنگیزی، ۲۰۱۲) (Kwon, 2004; Aliakbari & Changizi, 2012).

در ارتباط با سؤال دوم پژوهش و تشخیص راهبردهای امتناع مناسب، نتایج حاکی از تشخیص بهتر کنش گفتاری مناسب در فارسی‌زبان‌ها نسبت به بلوچ‌زبان‌ها بود، اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نبود. افزون بر این، فراگیران حساسیتی نسبت به فاصله اجتماعی، رابطه قدرت و تحمیل امتناع از خود نشان ندادند. گرچه نتایج این پژوهش اطلاعات جالب توجهی را در ارتباط با توانش کاربردشناسی دوزبان‌ها ارائه می‌دهند، نتایج به‌دست‌آمده برتری دوزبان‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها را از منظر توانش کاربردشناسی در به-کارگیری قواعد معنایی در موقعیت امتناع در یادگیری زبان انگلیسی مورد تصدیق قرار نمی‌دهد. در ارتباط با کارآیی وجود زبان افزوده در پیشرفت توانش کاربردشناسی، تجزیه و بررسی بین دو گروه حاکی از عملکرد بهتر دوزبان‌ها در تشخیص کنش امتناع مناسب نبود. گرچه هر دو گروه در تشخیص کنش گفتاری با گویشوران انگلیسی زبان در موقعیت‌های ارائه‌شده همسو بودند، هیچ‌یک از آنها عملکرد بهتری نسبت به دیگری از خود نشان ندادند.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین در رابطه با دوزبانگی و چندزبانگی (سافونت-جوردا، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱؛ سینوز، ۲۰۰۳؛ فوسر، ۱۹۹۷؛ بارنز، ۲۰۰۶) (Safont-Jorda, 2011, Cenoz, 2003; Fouser, 1997, Barnes, 2005, 2006) هم‌راستا نیستند. پژوهش‌های پیشین با تأکید بر قواعد زبانی کنش درخواست (سافونت-جوردا، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱) (Safont-Jorda, 2005, 2011) دانش کاربردشناسی کلی (سینوز، ۲۰۰۳) (Cenoz, 2003)، انتقال

کاربردشناسی (فوسر، ۱۹۹۷) (Fouser, 1997)، و اکتساب دانش کاربردشناسی (بارنز، ۲۰۰۶) (Barnes, 2006) مزیت‌هایی را برای دوزبانه‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها لحاظ نموده‌اند. یک دلیل برای وجود این تفاوت می‌تواند مربوط به تمرکز این پژوهش بر قواعد معنایی کنش امتناع باشد. بنابراین، کاربرد و تشخیص کنش گفتاری امتناع ممکن است درک فراگیران را از ویژگی‌های کاربردشناسی در موقعیتی خاص تحت تأثیر قرار دهد. امتناع در زمره کنش‌های خدشه‌دارکننده وجهه محسوب می‌شود چرا که رد دعوت یا درخواست با توقعات دعوت‌کننده یا درخواست‌کننده در تضاد خواهد بود. بدین دلیل، امتناع سطح بالایی از دانش کاربردشناسی را می‌طلبد (بیبی و سایرین، ۱۹۹۰) (Beebe et al., 1990). دلیل دیگر ممکن است مربوط به انتقال قواعد معنایی از زبان اول به زبان افزوده باشد. همچنین، پژوهش‌های پیشین (بیلی استوک، ۲۰۰۱؛ هوفمن و استاوانز، ۲۰۰۷؛ سافونت-جوردا، ۲۰۱۳) (Bialystok, 2001; Hoffmann & Stavans, 2007; Safont-Jorda, 2013) نشان داده‌اند که سواد زبان اول نقش مهمی را در یادگیری زبان بعدی ایفا می‌کند. در این پژوهش، ممکن است یافته‌ها مربوط به این مطلب باشند که دوزبانه‌های بلوچ برخلاف تک‌زبان‌های فارس آموزش رسمی در ارتباط با زبان اول‌شان دریافت نمی‌کنند. گرچه پاسخ‌دهندگان بلوچ قادر به برقراری ارتباط، خواندن و نوشتن به زبان اول‌شان بودند،

به نظر می‌رسد که زبان اول‌شان مزیتی در دانش کاربردشناسی آنها برای یادگیری زبان سوم ایفا نمی‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت توانش کاربردشناسی در بهبود توانش ارتباطی و نقش متغیرهای احساسی و شناختی، عوامل زبانی-اجتماعی، توانش زبانی، تفاوت در تحصیلات، و دانش فرا-کاربردشناسی بر روی این توانش، پیشرفت این توانش و توجه به پیشینه فراگیران در فرایند یادگیری زبان‌های خارجه ضروری به نظر می‌رسد. طبق این پژوهش در کاربرد راهبرد امتناع توسط دوزبانه‌های بلوچ و تک‌زبان‌های فارس تنوع وجود دارد و وجود زبان افزوده به تفاوت‌هایی در آگاهی از قواعد معنایی رایج می‌انجامد. افزون بر این، نتایج به-دست‌آمده برتری دوزبانه‌ها نسبت به تک‌زبان‌ها را از منظر توانش کاربردشناسی در به‌کارگیری قواعد معنایی در موقعیت امتناع در یادگیری زبان انگلیسی مورد تصدیق قرار نمی‌دهد.

بایسته یادآوری است که عمومیت بخشیدن به این نتایج مستلزم پژوهش‌های بیشتر در ارتباط با توانش کاربردشناسی در دوزبانه‌ها و تک‌زبان‌هاست. بنابراین برای تعمیم نتایج این پژوهش، انجام پژوهش‌های مشابه با استفاده از سایر ابزارهای گردآوری داده، یافته‌های بیشتری را در ارتباط با کاربردشناسی زبان بینابینی در دسترس قرار خواهد داد. یکی

analysis of pragmatic competence development in Iranian EFL learners. *Journal of Pragmatics*, 43(1), 385-406.

<http://doi.org/10.1016/j.pragma.2010.07.010>

Barjasteh Delforooz, B. (2010). *Discourse features in Balochi of Sistan, Oral Narratives*. Unpublished Ph.D. Dissertation, Uppsala University. https://www.researchgate.net/publication/277772688_Discourse_Features_in_Balochi_of_Sistan_Oral_Narratives

Barnes, J. (2006). *Early Trilingualism: A Focus on Questions*. Clevedon: Multilingual Matters. https://www.researchgate.net/publication/303346884_Early_Trilingualism_A_Focus_on_Questions

Barron, A. (2003). *Acquisition in Interlanguage Pragmatics*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company. <https://doi.org/10.1075/pbns.108>

Beebe, L. M., Takahashi, T., & Uliss-Weltz, R. (1990). Pragmatic transfer in ESL refusals. In R. C. Scarcella, E. Andersen, & S. D. Krashen (Eds.), *Developing communicative competence in a second language* (pp. 55-73). New York: Newbury House.

https://www.researchgate.net/publication/309352845_Pragmatic_Transfer_in_ESL_Refusals

از ابزارهای گردآوری داده در این پژوهش آزمون چندگزینه‌ای بود. گویه‌های چندگزینه‌ای از این لحاظ که پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده‌ای را به جای پاسخ‌های شخصی در اختیار افراد قرار می‌دهند، همواره مورد انتقاد بوده‌اند. از آنجاییکه دانش کاربردشناسی عواملی از جمله نقش گوینده و شنونده، فاصله اجتماعی آنها، نظراتشان، و محدودیت‌هایی که آنها ممکن است در کاربرد زبان در هم-کنشی‌های اجتماعی با آنها روبرو شوند را در بر می‌گیرد، احتمال دارد پرسش‌نامه‌های چندگزینه‌ای این متغیرها را لحاظ نکنند. به‌رحال، آزمون تکمیل گفتمان چندگزینه‌ای به‌کاررفته در این پژوهش سعی بر کنترل متغیرهای موقعیتی داشت. افزون بر این، پژوهش‌های پیش رو می‌توانند عوامل دیگری از جمله سطح توانش زبانی، سن افراد، میزان مواجهه با زبان مقصد و پیشینه فرهنگی و زبانی دو یا چندزبانه‌ها را در تنوعات زبانی دیگر در ایران و سایر نقاط جهان مورد بررسی قرار دهند.

۷. منابع

Aliakbari, M., & Changizi, M. (2012). On the realization of refusal strategies by Persian and Kurdish speakers. *International Journal of Intercultural Relations*, 36(5), 659-668.

<https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2012.04.009>

Allami, H., & Naeimi, A. (2011). A cross-linguistic study of refusals: An

http://doi.org/10.1007/978-1-4020-5639-0_7

- De Bot, K. (2012). Rethinking Multilingual Processing: From a Static to a Dynamic Approach. In *Third Language Acquisition in Adulthood*, In J. C. Amaro, S. Flynn, & J. Rothman (Eds.), 79–94. Amsterdam: John Benjamins Publishing Co. http://doi.org/10.1075/sibil.46.07_bot
- Fouser, R. J. (1997). Pragmatic transfer in highly advanced learners: Some preliminary findings. *Center for Language and Communication Studies Occasional Papers*, 50, 1–44. <https://eric.ed.gov/?id=ED415677>
- Gottfried, A.W., Gottfried, A.E., Bathurst, K., Guerin, D.W., & Parramore, M.M. (2003). Socioeconomic status in children's development and family environment: Infancy through adolescence. In M.H. Bornstein & R.H. Bradley (Eds.), *Socioeconomic status, parenting and child development* (pp. 189–207). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Hoffmann, Ch., & Stavans, A. (2007). The evolution of trilingual codeswitching from infancy to school age: the shaping of trilingual competence
- Bialystok, E. (2001). *Bilingualism in development: Language, literacy and cognition*. New York: Cambridge University Press. <http://doi.org/10.1017/CBO9780511605963>
- Bialystok, E., McBride-Chang, C., & Luk, G. (2005). Bilingualism, language proficiency, and learning to read in two writing systems. *Journal of educational psychology*, 97(4), 580–590. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.97.4.580>
- Cenoz, J. (2000). Research on multilingual acquisition. In J. Cenoz & U. Jessner (Eds.), *English in Europe: The acquisition of a third language*. (pp. 39-53). Clevedon: Multilingual Matters. https://www.researchgate.net/publication/309910207_English_in_Europe_the_Acquisition_of_a_Third_Language
- Cenoz J. (2003). The additive effect of bilingualism on third language acquisition: A review. *International Journal of Bilingualism*. 7(1), 71-87. <http://doi.org/10.1177/1367006903070010501>
- Cenoz, J. (2007). The acquisition of pragmatic competence and multilingualism in foreign language contexts. In *Intercultural language use and language learning* (pp. 123-140). Springer Netherlands.

- Khany, R., & Haghi, S. (2020). The acquisition of future tense properties by Iranian Persian monolingual and Kurdish-Persian Bilingual learners of English: A generative study. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 542-557. <http://doi.org/10.22059/jflr.2020.293047.747>
- Korn, A. (2003). Balochi and the concept of North-Western Iranian. In C. Jahani & A. Korn (Eds.), *The Baloch and Their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times* (pp. 49–60). Wiesbaden: Reichert Verlag.
- Korn, A. (2006). Counting Sheep and Camels in Balochi. In M. N. Bogoljubov et al. (Eds): *Indoiranskoe jazykoznanie i tipologija jazykovyx situacij. Sbornik stat'ej k 75-letiju professora A. L. Grjunberga (1930–1995)*. St. Petersburg, Nauka, pp. 201–212.
- Kwon, J. (2004). Expressing refusals in Korean and in American English. *Multilingual-Journal of Cross-Cultural and Interlanguage Communication*, 23(4), 339-364. <https://doi.org/10.1515/mult.2004.23.4.339>
- Mahmoudzahi, M., Korn, A., & Jahani, C. (2019). Synchronically unexpected /n/ in the Balochi dialect of Iranshahr. *Orientalia Suecana*, 20- through dynamic language dominance. *International Journal of Bilingualism*, 11, 55-72. <https://doi.org/10.1177/13670069070110010401>
- Hudson, T. (2001). Indicators for pragmatic instruction: Some quantitative tools. In K. R. Rose and G. Kasper (Eds.): *Pragmatics in Language Teaching* (pp. 283-300). New York: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139524797.019>
- Hudson, T, Detmer, E. & Brown, J.D. (1992). *A framework for testing cross-cultural pragmatics*. Honolulu: University of Hawaii Press.
- Hudson, T, Detmer, E. & Brown, J.D. (1995). *Developing prototypic measures of cross-cultural pragmatics*. Honolulu: University of Hawaii Press.
- Jahani, C. (2019). *A Grammar of Modern Standard Balochi*. Acta Universitatis Upsaliensis.
- Jessner, U. (2008). Teaching third languages: findings, trends and challenges. *Language Teaching*, 41(1), 15-56. <https://doi.org/10.1017/S0261444807004739>
- Kasper, G., & Rose, K. R. (1999). Pragmatics and SLA. *Annual Review of Applied Linguistics*, 19, 81– 104. <https://doi.org/10.1017/S0267190599190056>

- and methodological issues* (pp.217–236). John Benjamins Publishing Company. <http://doi.org/10.1075/llt.26.13es1/>
- Safont-Jordà, M. P. (2005). *Third language learners: Pragmatic production and awareness* (Vol. 12). Clevedon: Multilingual Matters.
- Safont-Jordà, M. P. (2011). Early requestive development in consecutive third language learning. *International Journal of Multilingualism*, 8(3), 256-276. <https://doi.org/10.1080/14790718.2011.588332>
- Safont-Jordà, M. P. (2013). Early stages of trilingual pragmatic development. A longitudinal study of requests in Catalan, Spanish and English. *Journal of Pragmatics*, 59, 68-80. <http://doi.org/10.1016/J.PRAGMA.2013.01.007>
- Zand-Moghadam, A., & Adeb, A. (2020). Investigating pragmatic competence, metapragmatic awareness and speech act strategies among Turkmen-Persian bilingual and Persian monolingual EFL learners: A cross-cultural perspective. *Journal of Intercultural Communication Research*, 49(1), 22-40. <https://doi.org/10.1080/17475759.2019.1705876>
30. <http://doi.org/10.33063/diva-389901>. [hal-02263585](http://doi.org/10.33063/diva-389901)
- Mehrpur, S., Ahmadi, M., & Sabourizadeh, N. (2016). Cross-linguistic comparison of refusal speech act: Evidence from trilingual EFL learners in English, Farsi, and Kurdish. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 8(2), 159-188.
- Modir Khamene, S. (2006). The reading achievement of third language versus second language learners of English in relation to the interdependence hypothesis. *International Journal of Multilingualism*, 3(4), 280-292. <http://doi.org/10.2167/ijm043.0>
- Okati, F., Helgason, P., Jahani, C., & Ahangar, A. A. (2013). The short vowels /i/ and /u/ in Iranian Balochi dialects. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 5(1), 117-154.
- Rahimi Domakani, M., & Hashemian, M. (2016). Role of monolingualism/bilingualism on pragmatic awareness and production of apology speech act of English as a second and third language. *Iranian Journal of English for Academic Purposes*, 5(1), 91-113.
- Rasekh Eslami, Z. (2010). Refusals: How to develop appropriate refusal strategies. In A. Martínez-Flor & E. Usó-Juan (Eds.): *Speech Act Performance: Theoretical, empirical*

